یادداشت

توقف توسعه اجتماعی شهرها و پیامدهای ناگوار آن

ادامه از صفحه اول

قانون‌گریزی، تخلف از مقررات و بی‌اعتنایی به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی از سوی بعضی از شهروندان و بی‌توجهی مدیران و راهبران شهرها به وظایف ذاتی و اصلی و پرداختن به اقدامات پرهزینه تبلیغی و نمایشی و بی‌نم، سیمای اجتماعی کلان‌شهرها به‌خصوص تهران را به کارزاری پُرتنش مبدل کرده است. شهر به‌عنوان یک موجود زنده، با سیستم پیچیده اجتماعی، علاوه بر داشتن یک کالبد فیزیکی و عمرانی، ابعاد گوناگون روحی و روانی متفاوت و بعضا ناشناخته‌ای دارد و هر روز با مسائل، مشکلات و نیازهای جدید و ناخواسته‌ای روبه‌رو می‌شود. گرچه مدیریت کلان‌شهرهایی همچون تهران از کل نظام مدیریتی و حکمرانی کشور قابل تفکیک نیست، اما نقد و بررسی مدیریت‌های شهری و میزان همکاری متقابل مردم در جایگاه خود واجد اهمیت بایسته است. برای نمونه، گزارش‌های منتشرشده از بیمارستان‌های مرکز و جنوب شهر تهران حکایت از مرگ‌ومیر و مصدومیت تعداد زیادی از موتورسواران و عابران پیاده دارد که قربانی تخلف از مقررات، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و فقدان نظارت مؤثر مأموران و مسئولان هستند. براساس برخی از آمارها، جان‌باختگان شهری برابر با یک‌چهارم کل مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای و بین‌شهری کشور هستند که هشداردهنده و تأسف‌برانگیز است. اما آنچه از خسارت‌های غم‌انگیز جانی اندوست‌رفتگان نگران‌کننده‌تر است، آثار و زیان‌های مادی و معنوی نادیده‌انگاشتن قانون و مقررات‌گریزی و سرپیچی فرابنده از آیین‌نامه‌ها و استانداردهای رانندگی و رفتارهای مغایر با موازین زندگی شهری است. شهرداری‌ها کرچه مسئولیت توسعه عمرانی و ساخت‌وساز زیربنایی را بر عهده دارند، اما مهم‌ترین مسئولیت آنها آماده‌سازی فضای عمومی و با نشاط اجتماعی و فرهنگی شهرها برای زندگی بهتر همراه با آرامش مردم است. تجربه موفق هم‌زمانی توسعه عمرانی و اجتماعی شهرداری تهران در دوران مدیریت آقای کرباسچی از طریق برقراری ارتباط گسترده با مردم و واداندازی روزنامه همشهری و تأسیس و گسترش فروشگاه‌های شهروند و ساخت پارک‌ها و مراکز تفریحی و فرهنگی و هنری، همراه با نوسازی برخی از محله‌های شهر و به‌کارگماری مدیران بادانش، مجرب و توسعه‌یافته و بهره‌گیری از مشاوران برجسته ملی و بین‌المللی و انتقال تجارب موفق کلان‌شهرهای دنیا می‌تواند الگویی مناسب برای توسعه اجتماعی با روش‌های نوین و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و برقراری ارتباط شایسته با مردم از طریق فضای مجازی و حضوری و آموزش و مشارکت‌دادن آنها در اداره شهرها و دریافت نقدها، نظرها و پیشنهادهای آن و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان شهر باشد. توقف توسعه اجتماعی در سال‌های گذشته در کشور به‌ویژه در کلان‌شهرها که از وظایف مهم صلاحیت و حاکمیتی و مدیریتی در وزارت کشور و شهرداری‌ها به‌خصوص در کلان‌شهرهاست، موجب شده که به جای همکاری مردم و مدیران شهری و حفظ و حراست از سرمایه‌های عمرانی، فرهنگی و اقتصادی شهرها که از سرمایه مردم آفریده شده است، شاهد فرسایش و مستهلک‌شدن کلانشهرها باشیم. اداره شهرها امری کاملا تخصصی است که باید به افراد، مدیران و کارشناسان صاحب صلاحیت و آموزش‌دیده سپرده شود. بدیهی است توسعه و تربیت اجتماعی باید در کام نخست از مدارس آغاز و سپس با همیاری خانواده‌ها و تعامل آنها با مدیریت‌های شهری، مراحل تکامل خود را سپری کند و مردم به شهروندانی مسئولیت‌پذیر و مدیران به حکمرانانی متعهد و پایبند به آماده‌سازی محیطی امن و توأم با نظم و انضباط و باکیزه همراه با موازین بهداشتی، کالبدی زیبا با شاخص‌های قابل قبول فرهنگی و اجتماعی شهرها تبدیل شود. جبران توقف توسعه باید با حرکتی شتاب‌زده و تاثیرگذار انجام شود. نقش مردم در رسیدن به توسعه اجتماعی از طریق اعتمادآفرینی با توسعه حکمرانان و مدیران و هواداران و سیاست‌های روشن و شفاف مالی و جلوگیری و مشارکت گسترده خودشان امکان‌پذیر خواهد بود.

یادداشت

صدای فراموش‌شده کسانی که با مرگ زندگی می‌کنند

آتیه آنلاین: در جنوب تهران، جایی که خاک، خاطره‌ها را در آغوش می‌کشد، سازمانی آرام اما پراضطراب در حال کار است؛ سازمان بهشت زهرا. آرامستان مرکزی بایتخت که با کذر نیم‌قرن از عمرش، هنوز یکی از سخت‌ترین وظایف انسانی را بر دوش کارکنانی گذاشته که روزانه با مرگ مواجه‌اند. کارکران و کارکنانی که «واجب کفایی» هستند؛ تطهیر، غسل، کفن و دفن اموات. اما آن‌سوتر از این مسئولیت انسانی، زندگی بررجالش و کاه تلخ آنها در سکوتی سنکین مدفون مانده است. بیشتر این کارکنان از دردهای مفصلی در ناحیه کردن، شانه، کمر و زانو رنج می‌برند؛ وضعیتی که در میان زنان با سابقه کار بیش از ۱۰ سال و سن بالا نمود بیشتری دارد. فشارهای جسمی تنها بخشی از واقعیت ماجراست؛ کارکنان خبر تظهیر یا تلبیس‌ارت خاطرات تلخ در ذهن‌شان، به خدمات مشاوره، مددکاری اجتماعی و خانوادکی مستمر نیازمندند. همچنین پیشنهاد شده است برای ترمیم روحی، فرصت‌هایی برای فاصله‌کرفتن موقت از محیط کار فراهم شود. یکی از اصلی‌ترین مطالبات عمومی کارکنان بهشت زهرا، مسئله مسکن است. بسیاری از آنان از شهرهای اطراف به شهر می‌آیند و همچنان مستاجر و خانه‌به‌دوش هستند؛ درحالی‌که به کفته برخی کارکنان، نیروهای مشابه در آرامستان‌های اطراف تهران، از تسهیلات رایکان مسکن شهرداری محل برخوردارند.

تامر امانی، رئیس کمیته تشکیلات و منابع انسانی شورای شهر تهران، با انتقاد از تفاوت‌های حقوقی میان کارکنان رسمی و نیروهای شرکتی سازمان بهشت زهرا، خواستار کاهش این شکاف و توجه جدی‌تر به وضعیت معیشتی کارکنان است. او می‌کوید: «کارکنان رسمی یا کسانی که مستقیما با سازمان قرارداد دارند، از نظام حقوقی مصوب برهه‌مندند. ولی نیروهای پیمانکاری براساس قانون کار و قرارداد شرکت‌های طرف قرارداد حقوق می‌کیرند». به کفته او، شورای شهر با هرکونه تبعیض مخالف است و افزایش حقوق و مزایای کارکنان شرکتی، به‌ویژه در سازمان بهشت زهرا، باید جزء اولویت‌های شهرداری تهران قرار کیرد. امانی تأکید می‌کند که از آغاز فعالیت کمیته منابع انسانی، مکاتباتی با شهردار تهران و مدیرعامل سازمان بهشت زهرا انجام شده است تا این موضوع در دستور کار جدی قرار کیرد. به کفته او فشارهای کذشته در ماه‌های اخیر و کمبود حقوقی می‌تواند انکیزه کارکنان را تضعیف و کیفیت خدمات را کاهش دهد؛ بنابراین باید شکاف حقوقی میان نیروهای رسمی و شرکتی به حداقل ممکن برسد. او همچنین در توضیح ساختارهای مالی سازمان می‌کوید: «در بودجه سالانه سازمان بهشت زهرا باید اعتبار مشخصی برای بهبود وضعیت نیروهای شرکتی اختصاص باید. از آنجا که این نیروها حقوق خود را از طریق شرکت‌های پیمانکار دریافت می‌کنند، مبلغ پرداختی به ماه قرارداد و تعداد نیروهای ثبت‌شده وابسته است. اکر سازمان صرفا طبق همان قراردادها عمل کند، محدودیت‌هایی وجود خواهد داشت؛ اما شورای شهر باید با استفاده از سازوکارهای حمایتی و افزایش اعتبارات، به کاهش این فاصله کمک کند». این عضو شورای شهر تأکید می‌کند که باید بر رویکرد عدالت‌محور شورا، خواستار اقدام عملی شهرداری در رفع تبعیض و بهبود وضعیت نیروی انسانی در سازمان بهشت زهرا شد.

بهشت زهرا، سازمانی با بیش از یک‌ونیم میلیون متوفی دفن‌شده، نه‌تنها بخشی از حافظه تاریخی و اجتماعی تهران، بلکه یکی از ارکان خدمات شهری بایتخت است. بااین‌حال، در حاشیه این آرامستان بزرک، صدای خاموش کارکنانی به کوش می‌رسد که با مرک زندکی می‌کنند. اما در زندکی شنیده نمی‌شوند.

احمد مسجدجامعی داستان ثبت روزی به نام تهران را روایت کرد

تهران؛ آینه ایران

نام‌گذاری «روز تهران» در شورای شهر پایتخت در سال ۱۳۹۵ تصویب شد، اما از آن زمان تاکنون، یعنی ۱۴۰۴، تقریبا یک دهه طول کشید تا این روز به رسمیت شناخته شود و به تایید شورای فرهنگ عمومی استان تهران برسد. احمد مسجدجامعی، عضو پیشین شورای شهر تهران، از روند طولانی و پرچالش ثبت این روز سخن گفت و روایت خود را از جلسات شورا و شکل‌گیری این مناسبت شهری بیان کرد.

او کفت که در آن سال‌ها، در شورای شهر انتخاب روزی به نام تهران مطرح بود و البته مخالفانی هم داشت. بحث‌های زیادی انجام شد؛ مثلا برخی پیشنهاد می‌دادند روزی را انتخاب کنیم که آقا محمدخان قاجار تهران را به منزله پایتخت خود برکزید؛ یعنی اواخر اسفند. عده‌ای دیکر هم به مناسبت‌هایی مانند روز ورود مرحوم امام به ایران یا روز ورود ایشان به جماران اشاره می‌کردند. درنهایت، پس از کفت‌وکو و بررسی، به روز ۱۴ مهر رسیدیم.

به کفته مسجدجامعی، در آغاز، مراسم این روز چندان جدی کرفته نمی‌شد؛ اما برنامه‌هایی محدود مثلا در مدارس برکزار می‌شد و بچه‌ها با اشتیاق از محله و شهرشان می‌کفتند. همه دوست داشتند درباره تهران، پیشینه و سابقه‌اش بدانند؛ اینکه چه کسانی در آن زیسته و چه جایکاهی در تاریخ ایران داشته‌اند. در همان سال‌ها، تمبر ویژه تهران منتشر شد و برنامه‌هایی مانند تهران‌کردی، بازدید از موزه‌ها و فعالیت‌های فرهنکی و ثبت‌نام رایکان برای عضویت در کتابخانه‌های عمومی انجام شد؛ سپس در روز تهران، موزه‌ها رایکان شدند و سینماها و برخی باشکاه‌های ورزشی هم بلیت‌های آن روز را نیم‌بها کردند.

او ادامه داد: کمکم روز تهران تبدیل شد به «هفته تهران». ما معمولا برنامه‌ها را از شهرری آغاز می‌کردیم، چون حوزه تمدن تهران از آنجا ریشه کرفته است و سابقه سکونت در تهران به هفت هزار سال پیش می‌رسد و ته‌های باستانی ری و چشمه‌علی و ته‌های کهریزک و ته‌های قیطریه و کشف اخیر آثار چشمه‌علی در محدوده بازار شاهدی بر این استقرار دیرپاست. بسیاری از دستکاه‌ها با همراهی شهروندان در اجرای این برنامه‌ها مشارکت می‌کردند و هرکدام به نوعی سهمی داشتند.

مسجدجامعی کفت: برای نظام برنامه‌های متنوعی داشتیم؛ از انتخاب بهترین خبرنکار و فیلم و داستان برکزیده درباره تهران تا تقدیر از خدمتکزاران شهر و ناشران و مؤلفان و محققان و عکاسان. هدف این بود که دستکاه‌های اجرایی و مردم به شهر دلبسته شوند. شاید نظام رسمی چندان توجهی به این موضوع نداشت، اما شور مردمی بالا بود و احساس تعلق به شهر تقویت می‌شد. بعدها، هرمندان سرود و آهنکهایی برای تهران جمع‌آوری کردند و ساختند و کمیسیون‌های مختلف شورا، از عمران تا سلامت، در برنامه‌ها مشارکت کردند.

او در ادامه کفت: همان سال‌ها، نشستی در تبریز با حضور مدیران وزارت فرهنک و ارشاد اسلامی و نمایندکان شوراهای سراسر کشور برکزار شد که در آن، دکتر پزشکیان، نماینده مردم تبریز و شهید آل‌هاشم، اعام‌جمعه هم حضور داشتند. پیشنهاد دادم که شهرها برای هر روز تهران خود را داشته باشند. پیشنهاد با استقبال زیادی روبه‌رو شد و بعد از آن، شهرهای مختلف کشور روز شهر خود را تعیین کردند. اکر تبازی به صورت شورای فرهنک عمومی کشور نداشت و شوراهای استانی می‌توانستند آن را تصویب کنند، امروز این موضوع به یک امر ملی تبدیل شده است و تقریبا بیشتر شهرها تعیین روزی را دارند.

او افزود: در تهران نیز به مرور، برنامه‌های جدیدی شکل کرفت. یکی از آنها درخت‌کاری و شناسنامه‌دار کردن درختان کهن‌سال شهر بود. برای هر درخت، اطلاعاتی مانند سن، نوع، وضعیت و موقعیت ثبت شد و از آنها عکس کرفتند. جشن‌هایی مانند «جشن درخت» و «جشن طبیعت» نیز برکزار می‌شد و مردم از آنها استقبال می‌کردند.

مسجدجامعی ادامه داد: ما باید یاد بکیریم شهر فقط محل پرداخت عوارض و مالیات نیست. مشارکت مردمی در مسائل شهری، حتی در موضوعات عمرانی، حس تعلق را افزایش می‌دهد. تهران فقط یک شهر نیست، بلکه نماد ایران است. در فرش‌های کرمان و تبریز هم تأثیر تهران دیده می‌شود و نقش فرش تهران هم از همه جای ایران تأثیر پذیرفته است. طرح فرش‌هایی که به نام تهران بافته شده، حاصل ابتکار اقوامی است که به تهران آمده‌اند.

او افزود: حتی در زندان‌های قدیم این شهر، زندانیان نقش فرش تهران را می‌بافتند. نخستین زندان مدنی هم در تهران بوده است. زندان آن زمان کتابخانه‌ای داشت و برای زندانیان حقوقی قائل بود. ازجمله حق دفاع از خود. یکی از کارها این بود که اکر زندانی فرشی می‌بافت، تخفیف می‌کرفت یا حتی آزاد می‌شد. به این فرش‌ها زندان‌بافت می‌کفتند. بعدها در انقلاب آزاد شدند و به‌عنوان بخشی از هنر شهری شناخته شدند.

مسجدجامعی با اشاره به لایه‌های تاریخی و فرهنکی تهران کفت: تحولات و اتفاقات بسیاری در طول تاریخ این شهر رخ داده است. تهران یا از معاشت، محله به محله، و درخت به درختش معنای خاص خود و روایتی اختصاصی دارد. کاهی یک درخت خودش بخشی از تاریخ است؛ چنان‌که درختی در باغ ایلخی بازار هست که تنها بازماندهٔ از حرکت برشور مردم تهران در ماجرای کریبایلف است و از آن همه تشکیلات روس‌ها تنها این درخت باقی مانده است؛ اما متاسفانه، امروز خاطرات و روایت‌های شهر را از یاد برده‌ایم.

مسجدجامعی با اشاره به کشف «ناوی هفت‌هزارساله تهران» در یکی از تهران‌کردی‌ها کفت: از مهم‌ترین رخدادهای میرانی و تاریخی معاصر ما همین کشف است. دانشجویی محترم، که این را در تهران کشف کرد، کاری بسیار بزرک انجام داد. ما تلاش زیادی کردیم تا این پیکره در همان ماکان که پیدا شده است، نکهداری کرد. تهران در مسیر مدرن‌سازی شتابزده، بسیاری از عناصر طبیعی و فرهنکی خود را از دست داد؛ قنات‌ها خشک شدند، باغ‌ها از میان رفتند و محله‌هایی که زمانی خاستکاه هویت اجتماعی مردم بودند، جای خود را به شهرهای آپارتمانی سرد و بی‌روح دادند. میدان‌ها و بازارهای سنتی تهران با شهرسازی مدرن و غربی به فراموشی سپرده شده‌اند و تهران در جایکاه پایین کشورهای مختلف، اکنون با مال‌های بزرک و ساکنان غیربومی روبه‌رو هستند. این امر سبب شده هویت فرهنکی تهران در میان تهرانی‌ها رنکی از آسیب‌های اجتماعی جدی این شهر است. در کذشته محلات برای ساکنان خود هویت می‌ساختند و حس تعلق ایجاد می‌کردند. وقتی از کسی می‌پرسیدند بچه کجایی؟ با افتخار می‌کفت بچه فلاح، اتابک یا دولاب هستم. اما امروز وقتی از شهروندان می‌پرسید اهل کجا هستند، برایشان سرد می‌دهند منطقه ۱۷ یا ۲۰؛ این یعنی محله‌محوری و هویت محلی در حال فراموشی است. در کذشته، محله بازار نه‌تنها مرکز مبادلات اقتصادی، بلکه یکی از نمادهای هویتی تهران بود. معماری سنتی، تیمچه‌ها و کاروان‌سراها، اجزای قدیمی در آن، بخشی از حافظه فرهنکی شهر به شمار می‌رفتند. اما امروز بازار بیشتر کارکرد اقتصادی دارد و مراجعه کنندکان فرهنکی به آن بسیار اندک است.اکرچه مدیریت شهری در دوره‌های مختلف برای مرمت و احیای بخش‌هایی از بازار تلاش کرده‌اند، اما هنوز هم برخی از آنها در حال فرسایش هستند. برای نمونه، کزارش‌های منتشرشده از بیمارستان‌های مرکز و جنوب شهر تهران حکایت از مرک‌ومیر و مصدومیت تعداد زیادی از موتورسواران و عابران پیاده دارد که قربانی تخلف از مقررات، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندکی و فقدان نظارت مؤثر مأموران و مسئولان هستند. براساس برخی از آمارها، جان‌باختکان شهری برابر با یک‌چهارم کل مرک‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای و بین‌شهری کشور هستند که هشداردهنده و تأسف‌برانکیز است. اما آنچه از خسارت‌های غم‌انکیز جانی اندوست‌رفتکان نکران‌کننده‌تر است، آثار و زیان‌های مادی و معنوی نادیده‌انکاشتن قانون و مقررات‌کریزی و سرپیچی فرابنده از آیین‌نامه‌ها و استانداردهای رانندکی و رفتارهای مغایر با موازین زندکی شهری است. شهرداری‌ها کرچه مسئولیت توسعه عمرانی و ساخت‌وساز زیربنایی را بر عهده دارند، اما مهم‌ترین مسئولیت آنها آماده‌سازی فضای عمومی و با نشاط اجتماعی و فرهنکی شهرها برای زندکی بهتر همراه با آرامش مردم است. تجربه موفق هم‌زمانی توسعه عمرانی و اجتماعی شهرداری تهران در دوران مدیریت آقای کرباسچی از طریق برقراری ارتباط کسترده با مردم و واداندازی روزنامه همشهری و تأسیس و کسترش فروشکاه‌های شهروند و ساخت پارک‌ها و مراکز تفریحی و فرهنکی و هنری، همراه با نوسازی برخی از محله‌های شهر و به‌کارکماری مدیران بادانش، مجرب و توسعه‌یافته و بهره‌کیری از مشاوران برجسته ملی و بین‌المللی و انتقال تجارب موفق کلان‌شهرهای دنیا می‌تواند الکویی مناسب برای توسعه اجتماعی با روش‌های نوین و بهره‌کیری از فناوری‌های جدید و برقراری ارتباط شایسته با مردم از طریق فضای مجازی و حضوری و آموزش و مشارکت‌دادن آنها در اداره شهرها و دریافت نقدها، نظرها و پیشنهادهای آن و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان شهر باشد. توقف توسعه اجتماعی در سال‌های کذشته در کشور به‌ویژه در کلان‌شهرها که از وظایف مهم صلاحیت و حاکمیتی و مدیریتی در وزارت کشور و شهرداری‌ها به‌خصوص در کلان‌شهرهاست، موجب شده که به جای همکاری مردم و مدیران شهری و حفظ و حراست از سرمایه‌های عمرانی، فرهنکی و اقتصادی شهرها که از سرمایه مردم آفریده شده است، شاهد فرسایش و مستهلک‌شدن کلانشهرها باشیم. اداره شهرها امری کاملا تخصصی است که باید به افراد، مدیران و کارشناسان صاحب صلاحیت و آموزش‌دیده سپرده شود. بدیهی است توسعه و تربیت اجتماعی باید در کام نخست از مدارس آغاز و سپس با همیاری خانواده‌ها و تعامل آنها با مدیریت‌های شهری، مراحل تکامل خود را سپری کند و مردم به شهروندانی مسئولیت‌پذیر و مدیران به حکمرانانی متعهد و پایبند به آماده‌سازی محیطی امن و توأم با نظم و انضباط و باکیزه همراه با موازین بهداشتی، کالبدی زیبا با شاخص‌های قابل قبول فرهنکی و اجتماعی شهرها تبدیل شود. جبران توقف توسعه باید با حرکتی شتاب‌زده و تاثیرکذار انجام شود. نقش مردم در رسیدن به توسعه اجتماعی از طریق اعتمادآفرینی با توسعه حکمرانان و مدیران و هواداران و سیاست‌های روشن و شفاف مالی و جلوگیری و مشارکت کسترده خودشان امکان‌پذیر خواهد بود.

یادداشت

تهران، پایتخت فراموش‌شده گردشگری ایران

احمد علوی
عضو شورای شهر تهران

در محدوده شهر تهران بیش از دوهزار و ۴۰۰ بنای تاریخی، میراثی و گردشگری ثبت شده، بیشتر مسافران داخلی و خارجی، هنگام ورود به تهران، مقصد خود را جایی غیر از اماکن تاریخی و فرهنگی شهر انتخاب می‌کنند. سهم گردشگری فرهنگی در تهران بسیار پایین است و این یک زنگ خطر جدی برای جایگاه هویتی پایتخت محسوب می‌شود. کاهش حس تعلق مکانی در میان تهرانی‌ها یکی از آسیب‌های اجتماعی جدی این شهر است. در کذشته محلات برای ساکنان خود هویت می‌ساختند و حس تعلق ایجاد می‌کردند. وقتی از کسی می‌پرسیدند بچه کجایی؟ با افتخار می‌کفت بچه فلاح، اتابک یا دولاب هستم. اما امروز وقتی از شهروندان می‌پرسید اهل کجا هستند، برایشان سرد می‌دهند منطقه ۱۷ یا ۲۰؛ این یعنی محله‌محوری و هویت محلی در حال فراموشی است. در کذشته، محله بازار نه‌تنها مرکز مبادلات اقتصادی، بلکه یکی از نمادهای هویتی تهران بود. معماری سنتی، تیمچه‌ها و کاروان‌سراها، اجزای قدیمی در آن، بخشی از حافظه فرهنکی شهر به شمار می‌رفتند. اما امروز بازار بیشتر کارکرد اقتصادی دارد و مراجعه کنندکان فرهنکی به آن بسیار اندک است.اکرچه مدیریت شهری در دوره‌های مختلف برای مرمت و احیای بخش‌هایی از بازار تلاش کرده‌اند، اما هنوز هم برخی از آنها در حال فرسایش هستند. برای نمونه، کزارش‌های منتشرشده از بیمارستان‌های مرکز و جنوب شهر تهران حکایت از مرک‌ومیر و مصدومیت تعداد زیادی از موتورسواران و عابران پیاده دارد که قربانی تخلف از مقررات، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندکی و فقدان نظارت مؤثر مأموران و مسئولان هستند. براساس برخی از آمارها، جان‌باختکان شهری برابر با یک‌چهارم کل مرک‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای و بین‌شهری کشور هستند که هشداردهنده و تأسف‌برانکیز است. اما آنچه از خسارت‌های غم‌انکیز جانی اندوست‌رفتکان نکران‌کننده‌تر است، آثار و زیان‌های مادی و معنوی نادیده‌انکاشتن قانون و مقررات‌کریزی و سرپیچی فرابنده از آیین‌نامه‌ها و استانداردهای رانندکی و رفتارهای مغایر با موازین زندکی شهری است. شهرداری‌ها کرچه مسئولیت توسعه عمرانی و ساخت‌وساز زیربنایی را بر عهده دارند، اما مهم‌ترین مسئولیت آنها آماده‌سازی فضای عمومی و با نشاط اجتماعی و فرهنکی شهرها برای زندکی بهتر همراه با آرامش مردم است. تجربه موفق هم‌زمانی توسعه عمرانی و اجتماعی شهرداری تهران در دوران مدیریت آقای کرباسچی از طریق برقراری ارتباط کسترده با مردم و واداندازی روزنامه همشهری و تأسیس و کسترش فروشکاه‌های شهروند و ساخت پارک‌ها و مراکز تفریحی و فرهنکی و هنری، همراه با نوسازی برخی از محله‌های شهر و به‌کارکماری مدیران بادانش، مجرب و توسعه‌یافته و بهره‌کیری از مشاوران برجسته ملی و بین‌المللی و انتقال تجارب موفق کلان‌شهرهای دنیا می‌تواند الکویی مناسب برای توسعه اجتماعی با روش‌های نوین و بهره‌کیری از فناوری‌های جدید و برقراری ارتباط شایسته با مردم از طریق فضای مجازی و حضوری و آموزش و مشارکت‌دادن آنها در اداره شهرها و دریافت نقدها، نظرها و پیشنهادهای آن و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان شهر باشد. توقف توسعه اجتماعی در سال‌های کذشته در کشور به‌ویژه در کلان‌شهرها که از وظایف مهم صلاحیت و حاکمیتی و مدیریتی در وزارت کشور و شهرداری‌ها به‌خصوص در کلان‌شهرهاست، موجب شده که به جای همکاری مردم و مدیران شهری و حفظ و حراست از سرمایه‌های عمرانی، فرهنکی و اقتصادی شهرها که از سرمایه مردم آفریده شده است، شاهد فرسایش و مستهلک‌شدن کلانشهرها باشیم. اداره شهرها امری کاملا تخصصی است که باید به افراد، مدیران و کارشناسان صاحب صلاحیت و آموزش‌دیده سپرده شود. بدیهی است توسعه و تربیت اجتماعی باید در کام نخست از مدارس آغاز و سپس با همیاری خانواده‌ها و تعامل آنها با مدیریت‌های شهری، مراحل تکامل خود را سپری کند و مردم به شهروندانی مسئولیت‌پذیر و مدیران به حکمرانانی متعهد و پایبند به آماده‌سازی محیطی امن و توأم با نظم و انضباط و باکیزه همراه با موازین بهداشتی، کالبدی زیبا با شاخص‌های قابل قبول فرهنکی و اجتماعی شهرها تبدیل شود. جبران توقف توسعه باید با حرکتی شتاب‌زده و تاثیرکذار انجام شود. نقش مردم در رسیدن به توسعه اجتماعی از طریق اعتمادآفرینی با توسعه حکمرانان و مدیران و هواداران و سیاست‌های روشن و شفاف مالی و جلوگیری و مشارکت کسترده خودشان امکان‌پذیر خواهد بود.

تهران بر از چنین نقاط ارزشمندی است؛ هرکدام با معنای خاص خودشان؛ اما ما درکیر امور روزمره شده‌ایم و از این کنجینه‌ها غافل مانده‌ایم. مثلا برخی از محله‌های قدیمی، بازارها، حمام‌ها، مسجدها، مدرسه‌ها، امامزاده‌ها، کارخانه‌ها، راه‌آهن، قبرستان‌ها، درختان کهن‌سال یا بناها و فضاهای عمومی که امروز، در معرض تاراج‌اند، یا حتی برخی بناها و مراکز برآمدوشد جدید همه نشانه‌هایی از تاریخ و هویت این شهرند

او افزود: در تهران نیز به مرور، برنامه‌های جدیدی شکل کرفت. یکی از آنها درخت‌کاری و شناسنامه‌دار کردن درختان کهن‌سال شهر بود. برای هر درخت، اطلاعاتی مانند سن، نوع، وضعیت و موقعیت ثبت شد و از آنها عکس کرفتند. جشن‌هایی مانند «جشن درخت» و «جشن طبیعت» نیز برکزار می‌شد و مردم از آنها استقبال می‌کردند.

مسجدجامعی ادامه داد: ما باید یاد بکیریم شهر فقط محل پرداخت عوارض و مالیات نیست. مشارکت مردمی در مسائل شهری، حتی در موضوعات عمرانی، حس تعلق را افزایش می‌دهد. تهران فقط یک شهر نیست، بلکه نماد ایران است. در فرش‌های کرمان و تبریز هم تأثیر تهران دیده می‌شود و نقش فرش تهران هم از همه جای ایران تأثیر پذیرفته است. طرح فرش‌هایی که به نام تهران بافته شده، حاصل ابتکار اقوامی است که به تهران آمده‌اند.

او افزود: حتی در زندان‌های قدیم این شهر، زندانیان نقش فرش تهران را می‌بافتند. نخستین زندان مدنی هم در تهران بوده است. زندان آن زمان کتابخانه‌ای داشت و برای زندانیان حقوقی قائل بود. ازجمله حق دفاع از خود. یکی از کارها این بود که اکر زندانی فرشی می‌بافت، تخفیف می‌کرفت یا حتی آزاد می‌شد. به این فرش‌ها زندان‌بافت می‌کفتند. بعدها در انقلاب آزاد شدند و به‌عنوان بخشی از هنر شهری شناخته شدند.

مسجدجامعی با اشاره به لایه‌های تاریخی و فرهنکی تهران کفت: تحولات و اتفاقات بسیاری در طول تاریخ این شهر رخ داده است. تهران یا از معاشت، محله به محله، و درخت به درختش معنای خاص خود و روایتی اختصاصی دارد. کاهی یک درخت خودش بخشی از تاریخ است؛ چنان‌که درختی در باغ ایلخی بازار هست که تنها بازماندهٔ از حرکت برشور مردم تهران در ماجرای کریبایلف است و از آن همه تشکیلات روس‌ها تنها این درخت باقی مانده است؛ اما متاسفانه، امروز خاطرات و روایت‌های شهر را از یاد برده‌ایم.

مسجدجامعی با اشاره به کشف «ناوی هفت‌هزارساله تهران» در یکی از تهران‌کردی‌ها کفت: از مهم‌ترین رخدادهای میرانی و تاریخی معاصر ما همین کشف است. دانشجویی محترم، که این را در تهران کشف کرد، کاری بسیار بزرک انجام داد. ما تلاش زیادی کردیم تا این پیکره در همان ماکان که پیدا شده است، نکهداری کرد. تهران در مسیر مدرن‌سازی شتابزده، بسیاری از عناصر طبیعی و فرهنکی خود را از دست داد؛ قنات‌ها خشک شدند، باغ‌ها از میان رفتند و محله‌هایی که زمانی خاستکاه هویت اجتماعی مردم بودند، جای خود را به شهرهای آپارتمانی سرد و بی‌روح دادند. میدان‌ها و بازارهای سنتی تهران با شهرسازی مدرن و غربی به فراموشی سپرده شده‌اند و تهران در جایکاه پایین کشورهای مختلف، اکنون با مال‌های بزرک و ساکنان غیربومی روبه‌رو هستند. این امر سبب شده هویت فرهنکی تهران در میان تهرانی‌ها رنکی از آسیب‌های اجتماعی جدی این شهر است. در کذشته محلات برای ساکنان خود هویت می‌ساختند و حس تعلق ایجاد می‌کردند. وقتی از کسی می‌پرسیدند بچه کجایی؟ با افتخار می‌کفت بچه فلاح، اتابک یا دولاب هستم. اما امروز وقتی از شهروندان می‌پرسید اهل کجا هستند، برایشان سرد می‌دهند منطقه ۱۷ یا ۲۰؛ این یعنی محله‌محوری و هویت محلی در حال فراموشی است. در کذشته، محله بازار نه‌تنها مرکز مبادلات اقتصادی، بلکه یکی از نمادهای هویتی تهران بود. معماری سنتی، تیمچه‌ها و کاروان‌سراها، اجزای قدیمی در آن، بخشی از حافظه فرهنکی شهر به شمار می‌رفتند. اما امروز بازار بیشتر کارکرد اقتصادی دارد و مراجعه کنندکان فرهنکی به آن بسیار اندک است.اکرچه مدیریت شهری در دوره‌های مختلف برای مرمت و احیای بخش‌هایی از بازار تلاش کرده‌اند، اما هنوز هم برخی از آنها در حال فرسایش هستند. برای نمونه، کزارش‌های منتشرشده از بیمارستان‌های مرکز و جنوب شهر تهران حکایت از مرک‌ومیر و مصدومیت تعداد زیادی از موتورسواران و عابران پیاده دارد که قربانی تخلف از مقررات، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندکی و فقدان نظارت مؤثر مأموران و مسئولان هستند. براساس برخی از آمارها، جان‌باختکان شهری برابر با یک‌چهارم کل مرک‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای و بین‌شهری کشور هستند که هشداردهنده و تأسف‌برانکیز است. اما آنچه از خسارت‌های غم‌انکیز جانی اندوست‌رفتکان نکران‌کننده‌تر است، آثار و زیان‌های مادی و معنوی نادیده‌انکاشتن قانون و مقررات‌کریزی و سرپیچی فرابنده از آیین‌نامه‌ها و استانداردهای رانندکی و رفتارهای مغایر با موازین زندکی شهری است. شهرداری‌ها کرچه مسئولیت توسعه عمرانی و ساخت‌وساز زیربنایی را بر عهده دارند، اما مهم‌ترین مسئولیت آنها آماده‌سازی فضای عمومی و با نشاط اجتماعی و فرهنکی شهرها برای زندکی بهتر همراه با آرامش مردم است. تجربه موفق هم‌زمانی توسعه عمرانی و اجتماعی شهرداری تهران در دوران مدیریت آقای کرباسچی از طریق برقراری ارتباط کسترده با مردم و واداندازی روزنامه همشهری و تأسیس و کسترش فروشکاه‌های شهروند و ساخت پارک‌ها و مراکز تفریحی و فرهنکی و هنری، همراه با نوسازی برخی از محله‌های شهر و به‌کارکماری مدیران بادانش، مجرب و توسعه‌یافته و بهره‌کیری از مشاوران برجسته ملی و بین‌المللی و انتقال تجارب موفق کلان‌شهرهای دنیا می‌تواند الکویی مناسب برای توسعه اجتماعی با روش‌های نوین و بهره‌کیری از فناوری‌های جدید و برقراری ارتباط شایسته با مردم از طریق فضای مجازی و حضوری و آموزش و مشارکت‌دادن آنها در اداره شهرها و دریافت نقدها، نظرها و پیشنهادهای آن و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان شهر باشد. توقف توسعه اجتماعی در سال‌های کذشته در کشور به‌ویژه در کلان‌شهرها که از وظایف مهم صلاحیت و حاکمیتی و مدیریتی در وزارت کشور و شهرداری‌ها به‌خصوص در کلان‌شهرهاست، موجب شده که به جای همکاری مردم و مدیران شهری و حفظ و حراست از سرمایه‌های عمرانی، فرهنکی و اقتصادی شهرها که از سرمایه مردم آفریده شده است، شاهد فرسایش و مستهلک‌شدن کلانشهرها باشیم. اداره شهرها امری کاملا تخصصی است که باید به افراد، مدیران و کارشناسان صاحب صلاحیت و آموزش‌دیده سپرده شود. بدیهی است توسعه و تربیت اجتماعی باید در کام نخست از مدارس آغاز و سپس با همیاری خانواده‌ها و تعامل آنها با مدیریت‌های شهری، مراحل تکامل خود را سپری کند و مردم به شهروندانی مسئولیت‌پذیر و مدیران به حکمرانانی متعهد و پایبند به آماده‌سازی محیطی امن و توأم با نظم و انضباط و باکیزه همراه با موازین بهداشتی، کالبدی زیبا با شا